شهر

مداخله در بازار رشت وقتی متر مربع جای حافظه را می‌گیرد

محمد صالح‌زاده
پژوهشگر مسائل شهری

بازار رشت فضایی زنده و آشنا برای مردم این شهر است؛ جایی که رهگذران نه صرفا برای خرید، بلکه برای تجربه لحظه‌ای از زندگی جمعی قدم در آن می‌گذارند. در این بازار، ارتباط میان انسان و محیط پیرامون رنگی از صمیمیت دارد و چشم‌ها با مناظر آشنا روبه‌رو می‌شوند؛ صدای فروشندگان، بوی ادویه‌ها و رنگ سبزی‌های تازه، حسی از تعلق را در دل آدمی زنده می‌کند.

بازار رشت فقط بازار نیست؛ تاریخ زنده‌ای است که هنوز در جسم و جان شهر تپش دارد. هر واژه گیلکی، هر لبخند مشتری، هر باران بی‌خبر، سندی است از تداوم زندگی در برابر فراموشی. برخلاف پاساژها و مال‌های مدرن که گاه فاصله‌ای سرد میان انسان و فضا ایجاد می‌کنند، بازار رشت باز و پویاست؛ مکانی که نفس شهر در آن جاری است. معماری این بازار، خاص و ریشه‌دار در فرهنگ محلی است با حجره‌هایی که بی‌تکلف اما معنادار کنار هم نشسته‌اند، سقف‌ها و راهروهایی که یادآور تاریخ و زندگی هستند.

در هر گوشه بازار، می‌توان ارتباطی عمیق میان مردم، کالای‌شان و معماری پیرامون حس کرد؛ گویی بازار بخشی از حافظه جمعی رشت است، جایی که هنوز اصالت و هویت شهری در نبض آن جریان دارد. بازار رشت یکی از شاخص‌ترین فضاهای شهری شمال ایران است؛ فضایی که نه‌تنها در قلب شهر بلکه در ذهن و حافظه جمعی مردم گیلان جای دارد. این بازار از قرن‌ها پیش محل تلاقی فرهنگ، اقتصاد، و روابط اجتماعی بوده است. برخلاف مراکز تجاری مدرن، بازار رشت کارکردی فراتر از خرید و فروش دارد؛ بازتاب هویت، زبان و شیوه زیست مردمان این سرزمین است. در روزهای اخیر، بازار تاریخی رشت حال و هوایی غم‌بار به خود گرفته است. در این فضای ۳۲هکتاری که بیش از یک قرن در قلب شهر رشت می‌تپد و همیشه نماد زندگی، جنب‌وجوش و دادوستد بوده، اکنون سکوتی سنگین جاری است. راسته‌ها و سراهایی که زمانی آکنده از صدای خنده، چانه‌زنی و زندگی روزمره مردم بودند، امروز به خاطره‌ای دور می‌مانند.

آتش‌سوزی ۱۸ دی سال جاری، زخم دیگری بر پیکر این بازار کهن‌سال برجای گذاشته است. طاقی بزرگ، طاقی کوچک، قیصریه فخر و سرای ملک -که هرکدام بخشی از هویت معماری و اجتماعی شهر بودند- در شعله‌ها نابود شدند. بیشترین آسیب را راسته میخ‌فروش‌ها و کتاب‌فروش‌ها دیده‌اند؛ حجره‌هایی که نه‌فقط محل کسب، بلکه مکانی برای گفت‌وگو و یادآوری گذشته بودند.

اکنون بازماندگان این حادثه، در میان دیوارهای سیاه و حجره‌های خاموش، به بازگشت روزهای رونق چشم دوخته‌اند. اما هنوز رد اندوه در چهره‌ها پیداست. بازاری که زمانی قلب تپنده رشت بود، این روزها آرام و خاموش نفس می‌کشد. فضا بیشتر به سوگ‌نامه‌ای شبیه است تا میدان دادوستد؛ بازاری که پیش‌تر نیز آتش‌سوزی‌های متعددی را از سر گذرانده بود، این بار زخمی عمیق‌تر برداشته و خاموشی‌اش، سکوتی از جنس فقدان است.

بازار رشت بیش از یک قرن، بی‌نیاز از بتن، آهن و طبقات تحمیلی، قلب تپنده شهر بوده است؛ فضایی که حیات خود را نه از مداخله‌های پرهزینه عمرانی، بلکه از پیوند زنده میان مردم، کالا و معماری بومی گرفته است. امروز اما این بافت تاریخی در آستانه مداخله‌ای ایستاده که نام آن را «بازسازی» گذاشته‌اند؛ تصمیمی که با زمزمه دوطبقه‌کردن بخش‌های آسیب‌دیده، در تعارض آشکار با جایگاه میراثی بازار قرار می‌گیرد. بازار رشت صرفا مجموعه‌ای از دکان‌ها و گذرها نیست؛ بخشی از حافظه جمعی شهر رشت است. در هر گوشه آن می‌توان ردپای زیست روزمره، روابط انسانی و الگوهای معماری را دید که طی نسل‌ها شکل گرفته و تداوم یافته‌اند. این بازار، هنوز یکی از معدود فضاهایی است که اصالت و هویت شهری رشت در آن به‌صورت زنده جریان دارد، نه به عنوان یک نمایش بازسازی‌شده، بلکه به‌مثابه تجربه‌ای واقعی و روزمره. مسئله آنجاست که چنین فضایی با منطق پروژه‌های عمرانی و محاسبه سود و مترمربع قابل فهم نیست. مداخله در بازار رشت، اگر به‌جای مرمت و احیا به سمت نوسازی و افزایش تراکم سوق داده شود، نه‌تنها کمکی به حفظ آن نخواهد کرد، بلکه می‌تواند آخرین لایه‌های هویتی این بافت تاریخی را از میان ببرد. بازاری که یک قرن ایستاده و نفس کشیده، امروز بیش از هر چیز به درک، صبوری و احترام نیاز دارد؛ نه به تصمیم‌های شتاب‌زده‌ای که به نام توسعه، حافظه یک شهر را فرسوده می‌کنند.

گزارش «شرق» از تمایل‌نداشتن خانواده‌ها برای فرستادن فرزندانشان به مدرسه، غیبت دانش‌آموزان و بی‌تفاوتی تحصیلی

اولویت حفظ سلامت است، نه مدرسه

مریم لطفی: در روزهایی که سایه نااطمینانی و اضطراب بر زندگی روزمره مردم سنگینی می‌کند، مدرسه -به‌عنوان یکی از امن‌ترین فضاهای اجتماعی برای کودکان- برای برخی خانواده‌ها دیگر آن پناه همیشگی نیست. پس از موج تازه اعتراضات، سخت‌گیری‌ها و افزایش محدودیت‌ها و گسترش نگرانی‌ها درباره احتمال درگیری‌های خارجی، بخشی از والدین با پرسشی جدی روبه‌رو شده‌اند: آیا فرستادن فرزندشان به مدرسه هنوز تصمیمی امن است؟ در هفته‌های اخیر، زمزمه‌هایی از کاهش حضور دانش‌آموزان در برخی مدارس شنیده می‌شود؛ خانواده‌هایی که از ترس ناامنی یا حتی وقوع حمله‌ای ناگهانی، ترجیح داده‌اند فرزندانشان را در خانه نگه دارند؛ تصمیمی که اگرچه از سر محافظت و نگرانی گرفته می‌شود، اما پیامدهای آموزشی، روانی و اجتماعی گسترده‌ای برای کودکان و آینده آنها دارد. نبود آمار رسمی درباره میزان این غیبت‌ها، تصویر روشنی از ابعاد این پدیده به دست نمی‌دهد. با این حال، روایت‌های میدانی و گفت‌وگو با والدین، معلمان و کارشناسان نشان می‌دهد که ترس و بی‌اعتمادی درباره امنیت فضاهای آموزشی، به یکی از دغدغه‌های جدی این روزهای خانواده‌ها تبدیل شده است.

اولویت با جان بچه است، نه نمره

«چند روزی می‌شود که پسرم را به مدرسه نمی‌فرستیم. بیشتر به خاطر نگرانی مادرش است. مدام می‌گوید اگر جنگی بشود یا حمله‌ای اتفاق بیفتد، جان بچه‌مان چه می‌شود؟»؛ این را پدر یک دانش‌آموز کلاس هشتمی ساکن قرچک در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید. او توضیح می‌دهد که مدرسه فرزندش، یکی از مدارس قدیمی منطقه است؛ مدرسه‌ای که از سال‌ها پیش پناهگاهی در زیرزمین داشته، اما با گذشت زمان و افزایش جمعیت دانش‌آموزی، بدون توسعه متناسب زیرساخت‌ها، گسترش یافته است: «مدرسه را بزرگ‌تر کرده‌اند، تعداد دانش‌آموزان خیلی بیشتر شده، اما پناهگاه همان است که بوده. اگر واقعا اتفاقی بیفتد، بچه‌ها اصلا جا نمی‌شوند. معلوم نیست چه بلایی بر سر فرزندان‌مان می‌آید». به گفته این پدر، نگرانی خانواده‌ها در روزهایی که فضای عمومی جامعه ملتهب‌تر می‌شود، شدت می‌گیرد؛ به‌ویژه در دوره‌هایی که شایعات یا اخبار غیررسمی درباره احتمال حمله یا درگیری در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود.

مدرسه هم دیگر پیگیر نیست

این نگرانی‌ها، به‌تدریج به نوعی عادی‌سازی غیبت دانش‌آموزان منجر شده است. مادر یکی از دانش‌آموزان دوره متوسطه اول هم در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «اوایل، حتی وقتی اینترنت قطع بود یا تازه وصل شده بود، معلمان در شبکه شاد حضور و غیاب می‌کردند. معلوم بود چه کسی سر کلاس هست و چه کسی نیست. اما حالا دیگر حتی آن هم نیست. انگار اصلا مهم نیست بچه در کلاس حضور دارد یا نه». او در ادامه به نکته دیگری اشاره می‌کند که به گفته فرزندش، این روزها فضای کلاس‌ها را پیچیده‌تر کرده است؛ تلاش معلمان برای فشرده‌سازی برنامه درسی: «بچه‌ام می‌گوید معلم‌ها این روزها خیلی درس می‌دهند. حجم مطالب زیاد شده است. انگار می‌خواهند هر طور شده تا آخر سال همه سرفصل‌ها را تمام کنند، که اگر هر اتفاقی افتاد، بگویند درس را داده‌ایم». به گفته این مادر، این شتاب‌زدگی آموزشی، فشار مضاعفی بر دانش‌آموزان وارد کرده است؛ دانش‌آموزانی که هم‌زمان با اضطراب‌های بیرونی، باید با حجم فزاینده تکالیف و امتحان‌ها هم کنار بیایند؛ «هم استرس دارد، هم عقب‌افتادگی، هم تکلیف زیاد. بچه واقعا تحت فشار است».

بی‌تفاوتی تدریجی دانش‌آموزان

پیامد این وضعیت، تنها محدود به غیبت از کلاس نیست. او می‌گوید فرزندش نیز به‌مرور دچار نوعی بی‌تفاوتی درباره مدرسه شده است: «بچه، خودش هم دیگر انگیزه‌ای ندارد. وقتی می‌بیند کلاس‌ها مرتب تعطیل می‌شود، درس‌ها نصفه‌ونیمه است، کم‌کم بی‌تفاوت می‌شود». این مادر تاکید می‌کند که در چنین شرایطی، خانواده‌ها ناچارند میان آموزش و امنیت، یکی را انتخاب کنند؛ انتخابی که به گفته او، برای بسیاری از والدین روشن است: «الان اولویت ما حفظ جان بچه‌مان است، درسش اگر عقب بیفتد، شاید جبران شود، اما جانش که برنمی‌گردد». او می‌گوید این تصمیم، محدود به خانواده آنها نیست و در محله‌شان به پدیده‌ای فراگیر تبدیل شده است: «در محله ما، خیلی‌ها بچه‌های‌شان را به مدرسه نمی‌فرستند. با هم صحبت می‌کنیم، می‌بینیم تقریبا همه همین نگرانی را دارند». این وضعیت در حالی ادامه دارد که به گفته این مادر، سال تحصیلی جاری نیز از ابتدا با اختلال‌های متعدد همراه بوده است؛ از تعطیلی‌های مکرر تا آموزش مجازی کم‌کیفیت و نبود ثبات آموزشی: «از اول سال، تعداد روزهایی که بچه‌ها واقعا درست‌وحسابی درس خوانده‌اند، خیلی کم بوده. یا تعطیل بوده، یا مجازی بی‌کیفیت، یا کلاس نصفه برگزار شده است. الان هم که این ترس‌ها اضافه شده. طبیعی است که بچه‌ها افت تحصیلی شدید داشته باشند».

ترجیح می‌دهم بچه جلوی چشمم باشد

نگرانی‌هایی از این دست، فقط محدود به حاشیه شهر نیست. در مرکز تهران نیز خانواده‌هایی هستند که با همان اضطراب و تردید، هر روز میان فرستادن یا نفرستادن فرزندشان به مدرسه مردد می‌مانند. مادر یکی از دانش‌آموزان دوره متوسطه اول در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که در شرایط فعلی، آموزش دیگر در صدر اولویت‌هایش قرار ندارد: «الان واقعا اولویتم درس‌خواندن بچه نیست، حفظ جانش است. تمام مدتی که مدرسه است، من نگرانم. ترجیح می‌دهم جلوی چشم خودم باشد. اگر خدای نکرده اتفاقی افتاد، حداقل کنار خانواده و پیش ماست». او تاکید می‌کند که حضور فرزندش در مدرسه، به جای آرامش، برایش به منبع دائمی اضطراب تبدیل شده است؛ اضطرابی که با هر خبر، شایعه یا تنش تازه، تشدید می‌شود: «وقتی مدرسه می‌رود، ذهنم آرام نمی‌گیرد. مدام فکر می‌کنم اگر اتفاقی بیفتد چه؟ اگر درگیری شود چه؟ اگر حمله شود چه؟ این نگرانی لحظه‌ای رهایم نمی‌کند». به گفته او، بسیاری از والدین اطرافش نیز شرایط مشابهی دارند و ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان را تا حد امکان در خانه نگه دارند.

رفتن یا نرفتن به مدرسه فرق چندانی ندارد

در کنار نگرانی‌های والدین، روایت دانش‌آموزان نیز تصویر دیگری از بحران آموزش در این روزها ترسیم می‌کند. دختر این خانواده که در مقطع متوسطه اول تحصیل می‌کند، نگاه انتقادی‌تری به مدرسه دارد و به «شرق» می‌گوید: «واقعیتش این است که رفتن یا نرفتن ما به مدرسه خیلی فرق نمی‌کند. نظام آموزشی آن‌قدر ضعیف شده و خیلی از معلم‌ها آن‌قدر بی‌کیفیت درس می‌دهند که حضور ما تأثیر خاصی ندارد». او می‌گوید مدرسه بیش از آنکه فضایی برای یادگیری باشد، به محلی برای گذران وقت تبدیل شده است: «تنها حسنش این است که دوستانمان را می‌بینیم و کمی سرگرم می‌شویم، وگرنه از نظر درسی خیلی کمکی به ما نمی‌کند». این دانش‌آموز، بی‌تفاوتی مدرسه نسبت به حضور دانش‌آموزان را نیز نشانه‌ای از همین وضعیت می‌داند: «حتی دوران اعتکاف، مدرسه گفت بروید توی سامانه ثبت کنید که اعتکاف هستید، ما کاری نداریم واقعا رفتید یا نه. یعنی مهم نبود حضور داریم یا نداریم. خودشان هم ترجیح می‌دهند خیلی پیگیر نباشند». به باور او، این رویکرد باعث شده دانش‌آموزان نیز نسبت به مدرسه احساس تعلق و مسئولیت نداشته باشند.

آینده‌ای مبهم

این دانش‌آموز می‌گوید نگرانی، اگرچه وجود دارد، اما به‌تدریج به بخشی عادی از زندگی آنها تبدیل شده است. با این حال، تأثیر این فضای ناامن، فقط به اضطراب روزمره محدود نمانده و بر آینده تحصیلی او نیز سایه انداخته است. او می‌گوید با وجود نزدیک‌شدن به زمان انتخاب رشته، هنوز هیچ تصویر روشنی از مسیر تحصیلی‌اش ندارد: «باید انتخاب رشته کنم، اما واقعا نمی‌دانم چه کار کنم. مدرسه چیزی به من یاد نداده که بفهمم به چه چیزی علاقه دارم. نه مهارتی، نه راهنمایی درست، نه انگیزه‌ای». به گفته او، نظام آموزشی نتوانسته بستری برای کشف استعدادها و شکل‌گیری هدف فراهم کند: «هیچ انگیزه خاصی برای ادامه تحصیل ندارم. اگر اصرار خانواده نبود، شاید اصلا ادامه نمی‌دادم. برای خودم دیگر خیلی فرقی نمی‌کند». مادرش نیز با شنیدن این حرف‌ها، نگرانی دیگری را به دغدغه‌هایش اضافه می‌کند: نگرانی از نسلی که در میان ناامنی، بی‌ثباتی و آموزش فرسوده، بدون چشم‌انداز روشن بزرگ می‌شود.

۵ حاضر در کلاس ۱۸نفره

روایت معلمان نیز بی‌شباهت با آنچه خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌گویند نیست. علی، معلم پایه دوازدهم در کرج، در گفت‌وگو با «شرق» از کاهش محسوس حضور دانش‌آموزان در کلاس‌ها خبر می‌دهد. به گفته او، در ماه‌های اخیر به دلایل مختلف، از جمله تعطیلی‌های مکرر، آلودگی هوا و مشکلات معیشتی، رغبت دانش‌آموزان برای آمدن به مدرسه کاهش یافته است: «از ابتدای آذر تا پایان دی‌ماه، به دلیل آلودگی هوا تعطیلی‌ها بسیار زیاد بود و عملا نزدیک به دو ماه از برنامه درسی عقب افتادیم. در کلاسی که ۱۸ دانش‌آموز دارد، معمولا فقط پنج تا شش نفر حاضر می‌شوند». به گفته این معلم، بسیاری از دانش‌آموزان رشته مکانیک برای تأمین هزینه‌های زندگی مشغول کار هستند و برخی دیگر نیز به دلیل بیماری یا بی‌انگیزگی از حضور در مدرسه خودداری می‌کنند. علی با اشاره به پیگیری‌های مدرسه می‌گوید: «مدرسه مرتب با اولیا تماس می‌گیرد و غیبت‌ها را اعلام می‌کند، اما تأثیر چندانی ندارد. با اینکه دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای گرفتن دیپلم نیاز به حضور در کلاس دارند، باز هم بسیاری از آنها انگیزه‌ای برای آمدن ندارند».

یادآوری گذشته

در خاطره جمعی خانواده‌ها و دانش‌آموزان هنوز زنده است که در آذر و زمستان ۱۴۰۱، موجی از «مسمومیت‌های سریالی» مدارس سراسر ایران را درگیر کرد؛ حادثه‌ای که باعث شد شمار زیادی از دانش‌آموزان به بیمارستان مراجعه کنند و نگرانی گسترده‌ای میان والدین ایجاد شود و به‌سرعت دامنه آن به حداکثر ۲۵ استان کشور کشیده شد. اما علت دقیق این حوادث هیچ‌گاه به‌طور قطعی و روشن اعلام نشد. پس از تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، در نهایت وزارت اطلاعات با انتشار بیانیه‌ای در اردیبهشت ۱۴۰۲، این مسئله را ناشی از استفاده از «بمبک بدبو»، «بازیگوشی و تمارض» و «شیطنت و غرض» اعلام کرد. اگرچه آن دوره با بحران کنونی متفاوت است، اما همان تجربه آن دوره، نوعی خاطره اضطراب‌آور و بی‌اعتمادی را در ذهن خانواده‌ها برجای گذاشته که به‌طور ناخودآگاه نگرانی آنها را نسبت به سلامت و امنیت فرزندانشان تشدید می‌کند.

سلامت دانش‌آموزان؛ خط قرمز

برای پیگیری وضعیت غیبت دانش‌آموزان در روزهای اخیر، «شرق» با وزارت آموزش و پرورش تماس گرفت و پاسخ دریافت کرد که مطابق گفته‌های علی فرهادی، سخنگوی وزارتخانه در نشست خبری روز ۱۴ بهمن: «حضور منظم دانش‌آموزان در کلاس‌ها اولویت اصلی است و سلامت آنها خط قرمز تصمیم‌گیری‌هاست. تعطیلی یا آموزش غیرحضوری مدارس تنها با نظر استانداران و در چارچوب قوانین اجرایی کشور امکان‌پذیر است و آموزش غیرحضوری برای دوره ابتدایی فقط می‌تواند به‌صورت طراحی‌شده و تحت نظارت مناسب به کار رود، اما هدف اصلی حفظ تربیت و آموزش حضوری است». فرهادی همچنین تأکید کرد: «سلامت و تربیت دانش‌آموزان در رأس تصمیم‌گیری‌ها قرار دارد، تعطیلی گسترده آخرین گزینه است و استانداران و رؤسای شورای آموزش و پرورش استانی مسئول تصمیم‌گیری درباره حضور یا غیرحضوری بودن مدارس هستند».

عاملی برای افت تحصیلی

ناگفته پیداست که تعطیلی‌های مکرر مدارس، آموزش غیرحضوری کوتاه‌مدت و غیبت‌های داوطلبانه خانواده‌ها، تأثیر مستقیم بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، علاوه بر چالش‌های کیفیت آموزشی، نوسان حضور دانش‌آموزان باعث افت محسوس تحصیلی شده است. به گفته حجت‌الله بنیادی، پژوهشگر نظام آموزشی و استاد دانشگاه، بررسی نمرات امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۴ نشان می‌دهد اختلاف معدل دانش‌آموزان میان مناطق آموزشی، نابرابری شدید آموزش را نمایان کرده است. او در گفت‌وگو با ایسنا گفته دانش‌آموزان شهرستان میرجاوه در استان سیستان‌وبلوچستان با معدل ۵.۲۶، در مقایسه با دانش‌آموزان منطقه ۶ شهر تهران با معدل ۱۴.۸۴، اختلافی نزدیک به ۹.۵ نمره دارند. همچنین دانش‌آموزان رشته ریاضی-فیزیک شهرستان دلگان در همان استان با معدل ۳.۱۹ حدود ۱۲ نمره کمتر از همتایان تهرانی خود هستند. در استان کرمان نیز، دانش‌آموزان شهرستان جازموریان با معدل ۵.۱۲، نزدیک به ۷.۵ نمره پایین‌تر از دانش‌آموزان شهرستان ماهان با معدل ۱۲.۵۷ قرار دارند. او تأکید می‌کند که این تفاوت‌ها نه به‌دلیل تفاوت استعداد، بلکه به دلیل کیفیت پایین آموزش و تعطیلی‌های مکرر مدارس است و شکاف آموزشی را عمیق‌تر کرده است. همچنین هشتم بهمن رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، مجموع بازماندگان از تحصیل دوره ابتدایی را ۱۶۱ هزار نفر اعلام کرد و البته یادآور شد نسبت به سال گذشته کاهش قابل توجهی دارد. هم‌زمان با این شواهد میدانی، گزارش معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری در زمستان سال گذشته با عنوان «طفیلی‌انگاری مدرسه در نظام حکمرانی کشور» نیز از وضعیت نگران‌کننده آموزش در ایران خبر می‌دهد. براساس داده‌های این گزارش و نتایج آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز، بیش از ۷۰ درصد دانش‌آموزان ایرانی عملکردی پایین‌تر از میانگین جهانی دارند و از هر ۱۰ دانش‌آموز، چهار نفر به حداقل سطح یادگیری نرسیده‌اند؛ آماری که از «فقر یادگیری» و افت کیفی گسترده در نظام آموزشی حکایت دارد.

آگهی مزایده اموال غیر منقول

به موجب پرونده اجرائی ۱۴۰۴۰۴۰۰۳۱۲۴۰۰۰۰۵۷ بشماره بایگانی ۱۴۰۴۰۰۰۴۸ له زهرا عین اللهی علیه تقی وکیل پور مقدار دو دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی شماره دوهزار و سیصد و پنجاه و شش فرعی از هفت اصلی بخش سی ودو گیلان واقع در آستارا - - شهرک عباس آباد فاز یک به مساحت ششدانگی ۲۰۷.۸۹ متر مربع که حدود و مشخصات ششدانگی آن بشرح ذیل میباشد:شمالا بطول ۱۲.۳۰ متر پی مشترک با پلاک ۲۳۵۵ فرعی از ۵۳۱/۷ اصلی شرقا بطول ۱۳.۶۶ متر سابقه سیم خاردار است به اراضی دولتی از پلاک۷- اصلی جنوبا بطول ۱۸.۱۱ متر پی مشترک با پلاک ۲۳۵۷ فرعی از ۷.۵۳۱ اصلی غربا اول بطول۵.۱۵ متر دوم بوضعیت شمالی بطول ۱.۴۰ متر سوم بطول ۷.۶۴متر هر سه جزء پی ومحل ورود است به کوچه مجزی شده که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۱۴۸۶۱ صفحه ۲۴۷ دفتر ۱۰۴ بنام نجفعلی عینی عنبران صادر وطی سند ۱۵۰۵۸-۱۳۸۸.۹.۲۵ دفترخانه ۱۰۵ آستارا به خانم افروز پورمحبت یونجانی انتقال یافته است که نامبرده فوت و مدیون پرونده احدی از ورثه معرفی که سهم نامبرده در قبال طلب پرونده اجرائی بازداشت و ارزیابی گردیده است که برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری دو دانگ مشاع به مبلغ پانزده میلیارد ریال ۱۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال ارزیابی و قطعی گردیده و پلاک فوق بصورت یک قطعه زمین به مساحت ۲۰۷۸۹ متر مربع و دارای اعیانی به مساحت ۲۳۰ متر مربع با قدمت ۱۰ سال بصورت یک طبقه روی پیلوت با تراس مسقف و دارای اسکلت بتنی و دارای پنجره‌های آلومینیومی و دربهای چوبی و آلومینیومی و نمای رنگ و دارای دو اتاق وهال و آشپزخانه وسرویس بهداشتی و کابینت میباشد و دارای امتیازات آب و برق و گاز مستقل و ملک محصور میباشد از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ مورخ ۱۴۰۴.۱۲.۳ در محل آستارا- خیابان جمهوری چنب دادگستری اداره ثبت اسناد واملاک از مبلغ ارزیابی آغاز و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته خواهد شد و حقوق دولتی و حق مزایده طبق مقررات وصول خواهد شد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد و شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار و یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر ، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی ۷۱۲۲

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی انجمن علمی مدیریت دانش ایران به شماره ثبت ۳۲۳۵۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۹۳۵۴۱

بدینوسیله از کلیه اعضاء پیوسته انجمن دعوت بعمل می آید تا در اولین جلسه مجمع عمومی عادی که در تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ به نشانی تهران، پل سیدخندان، ابتدای سهروردی‌شمالی، کوچه مهاجر، پلاک ۱۱، طبقه ۶، ساعت ۱۴ تا ۱۶ تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستورات جلسه: ۱ - گزارش عملکرد ۲ - گزارش بازرس ۳ - تصویب تراز مالی ۴ - انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرس ۵ - ارزیابی سند و برنامه راهبردی انجمن ۵ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره انجمن علمی مدیریت دانش

اطلاعیه

جناب آقای امید راهزانی به اطلاع می رساند، همسر شما خانم زهرا چگینی، جهت اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۶۷۸۰۰۱۸ مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ و قطعیت به شماره نامه ۱۴۰۴۶۸۹۹۰۰۶۵۸۴۳۹۱۷ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ شعبه ۲۰۳۵ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده دو تهران(۲۶۴ سابق) به این دفتر مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نمودند تلاش اینجانب جهت انصراف نامبرده از طلاق موثر واقع نشد. لذا در اجرای قانون حمایت از خانواده به شما اخطار می گردد ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ این اخطاریه جهت اجرای دادنامه به دفترخانه مراجعه نمایید و یا در صورت وجود مانع شرعی یا قانونی مراتب را کتبا اعلام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات و ضوابط شرعی و قانونی نسبت به اجرای دادنامه اقدام می گردد.

شانی دفترخانه: تهران، پاسداران، میدان نوبنیاد، نبش کوهستان چهارم، پلاک ۶۱۰ تلفن: ۲۶۱۱۴۸۴۲ علی قاسمی - سردفتر ازدواج ۲۸۶ و طلاق ۱۰ تهران

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۷۷۷۰ تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۱۹۹۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ هیات اول متقاضی خانم فاطمه مصنوعی به شناسنامه شماره ۱۹ کدملی ۶۲۲۹۸۶۶۵۵۲ صادره فرزند احمد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۳/۶۶ متر از پلاک شماره ۱۴۸۷۶/۳۵۶واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مالک رسمی نعمت اله سیف الهی طبق سیستم جامع املاک مورد ثبت صفحه ۱۵۷ دفتر ۲۴۳ املاک بوده که مورد درخواست مع الواسطه به موجب قولنامه به متقاضی واگذار شده و تعدادی از شهود آن را تأیید نموده اند لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵
شناسه آگهی: ۲۱۱۹۶۴۰

حسین زمانی علویجه - رئیس ثبت اسناد و املاک ۷۱۲۴

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۸۰۰۳۸۸۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوهپایه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۸۰۰۳۷۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوهپایه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای سید علی حسینی کفرودی به شناسنامه شماره ۸ کدملی ۵۶۵۹۸۳۸۲۳۵ صادره فرزند سید اسداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۷۱/۲۰متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ، فرعی از ۶۵ اصلی واقع در روستای اشکهران بخش ۲۱ حوزه ثبت ملک کوهپایه خریداری از مالکیت موروثی خانم روح انگیز فاطمی فرزند میرزا محمد علیخان فاطمی مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵
شناسه آگهی: ۲۱۱۹۷۱۲

اصغر علی خانی کوپانی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۷۱۲۳

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر، به شماره ۱۴۰۰۰۸۵۲۷۳۸ و به شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۱۱۹۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز سند مالکیت و کارت خودرو پژو ۲۰۶ SD TU5 با رنگ سفید روغنی به نام آقای علی خندانی بجمعه باشماره موتور: ۱۶۳B۰۱۶۸۴۰۳ و شماره شاسی: NAAP۴۱FE۰FJ۲۶۹۴۷۶ با شماره پلاک: ۹۹ ایران ۱۷۸ د ۴۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

**تاسیس شرکت طرح ایمن شه